

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

**در پی روزی و نیازها، سحر خیز باشید**  
**چرا که حرکت در آغاز روز، [مایه] برکت و پیروزی است**  
**نوح الفصاحه ص ۳۷۱، ح ۱۰۷۸**

- در محضر بزرگان**

#### هجرت یعنی پرورش شخصیت انسان

آیت ... شهید مطهری درباره معنای هجرت در اسلام فرموده‌اند:

«اسلام هجرت را در زندگی انسان‌ها یک اصل می‌داند. هجرت یعنی احیا و پرورش شخصیت انسان، مبارزه با یکی از اساسی‌ترین عوامل زبونی و اسارت انسان. ای انسان! اسیر محیطی که در آن متولد شده‌ای نباش، اسیر خشت و گل نباش. انسان باید برای خود این مقدار آزادی و حریت و استقلال قائل باشد که نه خود را اسیر و زبون منطقه و آب و گل کند و نه اسیر و زبون عادات و عرفیات و اخلاق زشتی باشد که محیط به او تحمیل کرده است.

«اَلْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ الشَّيْثَاتِ» مهاجر کسی است که بتواند از سیئات، بدی‌ها، پلیدی‌ها، زشتی‌ها و صفات بد جدا شود. هجرت یعنی جدا شدن از زشتی‌هایی که بر انسان احاطه پیدا کرده، آزاد کردن خود از پلیدی‌هایی که بر انسان احاطه پیدا کرده است.»

برگرفته از کتاب «ازادی معنوی»

- فتوشعر انتظار**



- داستانک**

### علم در برابر تجربه

یک ناخدای جوان تحصیل کرده و یک خدمه پیر بی سواد در یک کشتی با هم کار می کردند. پیرمرد هر شب به کابین ناخدا می رفت و به حرف های او گوش می داد. یک روز ناخدا از پیرمرد پرسید: «آیا در س زمین شناسی خوانده ای؟» پیرمرد گفت: «نه» ناخدا گفت: «پس تو یک چهارم عمر خود را از دست داده ای.» پیرمرد خداحافظی کرد و در حالی که به اتاق خود می رفت با خودش به این فکر می کرد که ناخدا فرد تحصیل کرده ای است و حتما چیزی که درباره آن صحبت می کند، واقعی است. پس من یک چهارم عمرم را از دست داده ام.

شب بعد ناخدا از او پرسید: «درباره علم هواشناسی چیزی می دانی؟» پیرمرد گفت: «نه» ناخدا گفت: «پس تو نیمی از عمر خود را از دست داده ای.» پیرمرد ناراحت شد و دوباره با همان افکار به اتاقش برگشت. شب بعد باز ناخدا از او پرسید: «آیا درباره علم دریاشناسی چیزی می دانی؟» پیرمرد گفت: «نه» و ناخدا گفت: «پس تو سه چهارم عمر خود را از دست داده ای.» پیرمرد آن شب را نیز ناراحت به اتاق خود برگشت. ولی صبح زود به سراغ کابین ناخدا رفت و از او پرسید: «درباره علم شناسناسی چیزی می دانی؟» ناخدا گفت: «نه!» شناسناسی چیست دیگر؟! پیرمرد گفت: «پس تو تمام عمر خود را از دست داده ای... چون کشتی به یک صخره برخورد کرده و در حال غرق شدن است. خداحافظ!»

- فتو نکته**



- اندک صبر**

### جای دل

به همان سادگی که کلاغ سالخورده با نخستین سوت قطار سقف واگن مترو را ترک می‌گوید دل، دیگر

در جای خود نیست به همین سادگی!

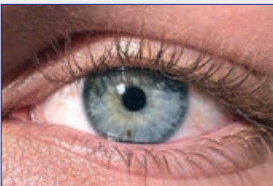
حسین منزوی



**نشنال جئوگرافی - دریاچه مصنوعی در حاشیه دبی برای کمک به حفظ حیات وحش**

- دور دنیا**

### تغییر رنگ چشم در ۲۰ ثانیه!



دانشمندان راهی پیدا کرده اند که می توانند رنگ چشم ها را در مدت ۲۰ ثانیه به آبی تغییر دهند. کار این لیزر از بین بردن رنگدانه های چشم و پوست است که در این مدت طرفداران زیادی پیدا کرده است.

### سه تولد در یک روز!



آسوشیتدپرس- خانواده ای در نیوجرسی مشکلی برای به یادآوردن تاریخ تولد یکدیگر ندارند! نوزاد این خانواده در ۱۹ نوامبر و روز تولد مادر و مادر بزرگش به دنیا آمد! مادر بزرگ و مادر این کودک امیدوار بودند چنین اتفاقی بیفتد ولی بعید بود با توجه به تاریخ زایمان مادر، این اتفاق رخ دهد. ولی به دلیل زایمان پیش از موعد مادر و فشار خوش، خانواده به آرزوی شان رسیدند! این کودک که چند هفته زودتر به دنیا آمده است، درست در جشن تولد ۳۱ سالگی مادرش و ۶۷ سالگی مادر بزرگش پا به دنیا گذاشت!

### قارچ غول پیکر با مساحت ۲ هکتار!



آدیتی سنترال- در کوه های ایالت اورگن در کانادا، عجیب ترین و قدیمی ترین موجود شناخته شده جهان وجود دارد. قارچی با وسعت دو هکتار از ۲۴۰۰ سال پیش در این منطقه زندگی می کند. این قارچ از طریق ریشه های جنگلی که در آن واقع است تمام مواد غذایی را به سمت خود می کشد، بنابراین نه تنها بزرگ ترین موجود کره زمین است، بلکه مرگبار ترین موجود هم هست! تکثیر این قارچ روی تنه درختان به راحتی صورت می گیرد و به همین دلیل رشد آن متوقف نمی شود.

- نیم دقیقه ای**

### راهی برای درک علم!

مادر: «امروز مدرسه چطور بود پسر؟»آدام: «خیلی عالی بود مامان. ما امروز آزمایشگاه داشتیم. تازه به انفجار هم انجام دادیم که خیلی کیف داد!»

مادر: «وای... مدرسه تون چه آزمایش های عجیب و غریب و خطرناکی بهتون میده! خب حالا فردا قراره چی کار کنید تو مدرسه؟»آدام: «کدوم مدرسه مامان؟!»

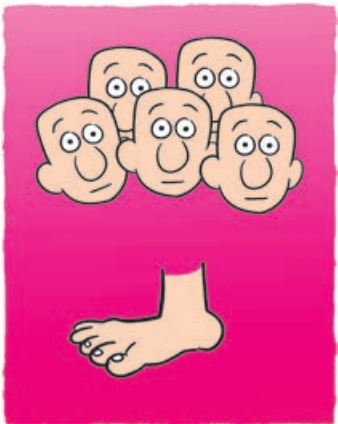


### مسابقه شماره ۲۰۲

می تونین زیر هر تصویر، یه کلمه معنا دار با چاشنی شوخ طبعی بنویسین؟ خب ما این کارو کردیم براتون! فقط هر حرف الفبا رو به یه علامت مز تبدیل کردیم. تا ساعت ۲۳ به خط اختصاصی ۰۳۰۰۷۲۲۵۲ سه کلمه رو پیامک کنین. جایزه نقدی به قید قرعه برای شما که پاسخ صحیح سه مسابقه پیاپی رو دادین! پاسخ توی ستون «ما و شما»ی بعدی و اطلاعات بیشتر هم توی وب سایت 1sargarmi.ir هست.



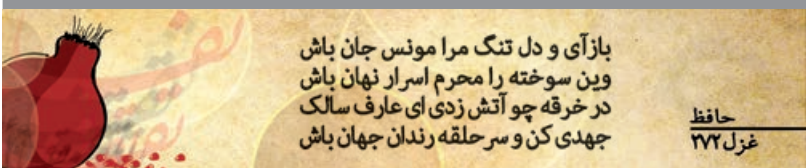
× ÷ | \* |



÷ ÷ × \*



× (- = |



تلگراف- امتحانات ابتدایی با حضور ۵۰۰ دانش آموز، چین



سیدنی مورنینگ- برگزاری جشنواره طناب بازی روی دره پارک کینیون لندن، ایالات متحده

- شعر طنز**

### شکست خور دیم!

ما پیش شما شکست خور دیم در خشکی و آب و آسمان ها ما نیز شبیه کل دنیا ما از پدر و برادر خویش بیماری ما گذشت؛ اما با ظاهر و باطنی برابر با حقه گرفت پول ما را رفتیم تمام عمرمان را کردیم تنتو دوباره دیشب از آب و هوا شکست خوردیم کلا همه جا شکست خوردیم از بارسلونا شکست خوردیم هنگام غذا شکست خوردیم از پول دوا شکست خوردیم از اهل ریا شکست خوردیم راحت ز غذا شکست خوردیم از: دغدغه، تا: شکست خوردیم بر قوز کا: «شکست خوردیم» امیرحسین خوش حال



« تو کوچک یه گریه دیدم زل زده بود تو چشم هام. منم همین جوری نگاهش کردم تا از تو بره. یه دفعه برگشت گفت داداش! اگه نمی خوای مدام کنی و فیلم بگیرم با پریم به کار و زندگی مون برسیم!»

« یه قانونی هم مامان ها دارن که میگه: هر غذایی که فعلا تو خونه موجوده بیشترین ارزش غذایی رو داره و اگه نخوریش دیکه بزرگ نمی شی!»

« اولین ضربه روحی ام رو زمانی خوردم که برای خونه بوفه خریدیم، به جای پیپس و پفک و بستنی توش ظرف چیدن!

« اون رفیق ام که من رو تو تمام شبکه های اجتماعی بلاک کرده، دیشب تو خیابون دیدم، دیکه خیلی تو نقش اش فرو رفته بود، سلام هم نکرد!»

« سرو ته تمام روش های مجاز و علمی لغاری اینده: کمتر بخور، بیشتر ورزش کن. که من با هر دوتاش مشکل دارم!

« ما مردها رنگ ها رو تشخیص می دیم، ولی اسم هاشون رو بلد نیستیم!

- بریده کتاب**

### چطور مشکلات را تحمل می‌کنیم؟

برای هر زندانی از بند رسته‌ای روزی فرا می‌رسد که وقتی به دوران اسارت خود می‌نگرد و تجارب اردوگاهی را زیر و رو می‌کند، باور نخواهد کرد که چنان روزگار دشواری را تحمل و سپری کرده است. همچنان که سرانجام روز آزادی‌اش فرا رسيد و همه چیز در نظرش چون روایی زیبایی بود، روزی هم فرا خواهد رسید که تجربه‌های اردوگاهی‌اش چون کابوس رنج اش خواهد داد.

برگرفته از کتاب «انسان در جست و جوی معنا» اثر ویکتور فرانکل

### پیامک بقیه‌رو یا ما حساب نکن!

سلام، چند تا پیامک جالب انتخاب شده بخونین با جوابش. فعلا!
\* ۰۹۳۷۰۰۰۱۴۶: زمان حل خفن استرپ ۲۰:۱۲ ساعت!
- رجز خونی‌ها رو بخونیم! ۱۲ ساعت؟ ۰۹۳۸۸۰۰۸۴۵: چندوقته دیکه خفن استرپ بهیمنی چسبه!
- پیشنهاد: از چسب استفاده کنین! ۰۹۱۵۴۰۰۷۳۴: خفن جان. اول که اون «مذکندو» بود، نه «مذموم»! دوم خداییش از هر صد تا مخاطب چند تاشون می‌دونن که چنین کلمه‌ای توی فارسی داریم که سوژه کردیش!
- اولاً که جنس کندو از مومه! ثانياً من آمارنگرفتم. شما بگیر به ما هم بگو! ۰۹۳۹۷۰۰۰۴۶۵: یک کم به پیشنهاد دوستان در باره جایزه دادن فکر کنین. به خاطر ۵۰ هزار تومن تا حالا ۱۰۰ هزار تومن پیامک دادم.
- چک کردم! ۱۲۴ تا پیامک فرستادی کلا! یا نرخ دست‌نیت یا پیامکایی رو که به بقیه فرستادی یا ما حساب کردی!

- کله چفوک**

### آق کمال شغل عوض نمی‌کند

با آقام اینا آناه آقای دکتر، یعنی خُشرم دعوت بودم. هر چند شب یک بار همه‌مان جمع مِرم خانه یکی. به یاد قدیم‌ترها که فامیل هم ره بیشتر مدیدن و از حال هم باخبر مرفتن. نه مثل حالا که برار اسم بچه‌های خواهرشه نمندن. آقام و آقای دکتر سرشان به تلویزیون گرم بود و از فرار آدش تا کمک یانگوم به زلزله زده‌ها ره تحلیل مکردن. خانم‌ها هم که مثل همیشه بنده‌های خدا تو آشپزخانه سرشان گرم بود، به قول خانم بزرگم «عروس خوشبخت، گوشه مطبخ!» بعد از شام خانم دکتر گفت: «کمال جان چه خبر از شرکت‌تون؟» گفتم: «خدا ره شکر، در همی حد که خرج خانه ره درباریم هست!» مادرم پشت بندش گفت: «یعنی فقط در همی حد؟ خدا مرگم نده...» و شلیپی زدر و پاش! کاملیا خانم گفت: «به هر حال الان رو کوده و پروژه‌ها خرابه.» غلط نکنم مشغول اجرایی کردن نقشه‌شان بودن که تو آشپزخانه کیشیده بودن!

گفتم: «خدا ره شکر که به کسی بدهکار نیستیم و یک لقمه نون و پنیر در میمه، بقیه‌اش هم توکل بر خدا. هموچو که بقیه زندگی مُکُتن، مایم زندگی مُکُتم.» خانم دکتر فوری تو هوا زد: «ولی به هر حال زندگی خرج داره و جالب نیست مهندسی مثل شما بیکار باشه و در حدیک لقمه نون در بیاره!» اوه اوه! و قتش بود بی‌رودرواسی حرفه بزنم. گفتم: «مو فقط همی کاره بلدم و خوشبختانه راه‌های تُخل پُخل تو ای کار ره یاد ندرم. باید صبر کنیم تا بازار راه بیفته.» کاملیا خانم گفت: «البته میشه به کار دوم هم فکر کرد...» پریدم وسط حرف عیال و گفتم: «کاملیا جان از شما بعیده! شما اگه کم و کسری تو خانه درن به خودم بگن. درست نیست که جلوی بقیه ای حرفا زده بشه!» خانم دکتر گفت: «ما که غریبه نیستیم، چند وقته می‌بینیم تو خودتی و سرت خلوته، همه‌مون ناراحت می‌شیم خب.» یک دقگی آقای دکتر گفت: «این حرفا چیه؟ چرا بچه رو ناراحت می‌کنین؟ کار بالا و پایین داره، بگیر نگیر دارم، قرار نیست که همیشه باب دل ما باشه.» آقام که داشت سیب پوست می‌کند گفت: «اصلا مرد باید تو سختی بیفته تا قدر آسونی ره بدنه.» خیلی جدی گفتم: «البته به فکر کار دوم و سوم هم هستم. قراره عصرها از ای تاکسی‌های اینترنتی باشم و شب‌ها هم بزم تو کارگاه نگهبانی بدم.» آب نارنگی پرید تو گلوئی خانم دکتر و اخم‌های کاملیا خانم رفت تو هم و گفت: «من که از وضع موجود راضی‌ام، هیچ مشکلی هم ندارم.» بقیه هم بحث ره عوض کردن و میوه تعارف زدن. البته مو با کاملیا خانم هنوز حرف داشتم که به موقعش بهش مُگم! آق کمال

- نیاز طنزی**



### ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

\* خراسان عزیزم، خیلی دوست ات دارم ها، ولی حرف های خواندگانت شده همش غرغر، یعنی یکی نیست حرف قشنگ بزنه؟ بابا دنیا خیلی زیباست، بستگی داره ما چه جوری بهش نگاه کنیم.

\* زندگی سلام درباره جراحی و آرایش زنان، موضوع خوبی بود. کاش به این نکته هم اشاره می کردین که علاقه آقایان به عمل زیبایی هم به اندازه خانم ها شده است!

\* قسمت سوتی ها خیلی خوبه، چطور ما هم سوتی هامون رو براتون بفرستیم؟

**ما و شما:** سوتی های بامزه تون رو در تلگرام به شماره ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ بفرستید.

\* کاریکاتور هومن سیدی خیلی شبیه خودش بود، دلم خواست دوباره سرپالاش رو ببینم!

\* ممنون از آقای محمديور که در قالب گزارش های مریخی، به نکات خوبی اشاره می کند.

\* بیستون بر سر راه است مباردازشیرین / سخنی گفته و غمگین دل فرهاد کنيد. زنده باد مردم و مسئولان، قهرمانان ملی... و... که با همدلی تا آن جا که ممکن بود غم از دست دادن عزیزان را از فرادهای زلزله کرمانشاه گرفتند.

\* زندگی خیلی زیباست. قدرش را بدویند. زندگی آدم دست خوده‌شه. می تونه اون روزی کنه یا پر از غصه. بیایم قدر هدیه‌گه رو بدوینم.

\* تشکر می کنم از همه دکترهایی که به مریض ها روحیه می دهند.

\* فقط وانمود می کنم که خوبم. چون بد بودنم برای هیچ کس مهم نیست.

مسعود مجنونپور